بررسی تعارضات زناشویی زوجین مراجعه‌کننده به مرکز بهارنکو شیراز

فاطمه بیتا[1]
مریم مؤمنی[2]
حمید مقامی[3]

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان و ابعاد تعارضات زناشویی در زوج‌های مراجعه‌کننده به مرکز خانواده بهارنکو شیراز طی ۱ تا ۵ سال گذشته انجام شده است. این مطالعه به روش توصیفی ـ پیمایشی و بر روی ۳۴۶ نفر از زوجین مراجعه‌کننده به مرکز مذکور انجام شد. نمونه‌گیری به روش در دسترس صورت گرفت و ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه مشخصات دموگرافیک و پرسشنامه تعارضات زناشویی (MCQ) ثنایی بود. یافته‌ها نشان داد ۸۶ درصد زوجین مراجعه‌کننده، در طی ۵ سال نخست زندگی مشترک، تعارضات زناشویی در سطح بهنجار را تجربه کرده‌اند. بیشترین میزان تعارضات مربوط به حوزه‌های اختلال در روابط کلامی، واکنش‌های هیجانی و مسائل مالی بود. تحلیل‌ها نشان داد متغیرهای تحصیلات همسر، تحصیلات پاسخگو، سن زوجین، تعداد فرزندان، مدت زمان ازدواج، دارایی‌های خانواده همسر و دارایی‌های خانواده پاسخگو با میزان تعارضات زناشویی رابطه معنادار دارند. در این میان، مدت زمان آشنایی پیش از ازدواج، تفاوت سنی زوجین و طول مدت ازدواج بیشترین سهم را در پیش‌بینی تعارضات زناشویی داشتند. همچنین، زوجین دارای سابقه نامزدی، کاهش رابطه جنسی و ارتباطات پیچیده‌تر با خانواده همسر را بیش از زوجین فاقد سابقه نامزدی گزارش کردند. یافته‌های این مطالعه بر نقش مؤلفه‌های جمعیت‌شناختی و اجتماعی در شکل‌گیری و تشدید تعارضات زناشویی تأکید دارد.

واژگان کلیدی: تعارضات زناشویی، طول ازدواج، تحصیلات، سابقه نامزدی، مدت آشنایی، بهارنکو.

---

۱. دانشجوی دکتری روانشناسی، دانشگاه خلیج فارس و پژوهشگر اندیشگاه مطالعات فلسفه و سبک زندگی، شیراز، ایران. (نویسنده مسئول)Bita.fateme@yahoo.com

۲. دکتری مسائل اجتماعی ایران دانشگاه شیراز، پژوهشگر اندیشگاه مطالعات فلسفه و سبک زندگی اسلامی، شیراز، ایران. m.momeni70@gmail.com

۳. دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه اصفهان، مدیر اندیشگاه مطالعات فلسفه و سبک زندگی، شیراز، ایران .maghamih8@gmail.com

مقدمه

خانواده از نظر قدمت، ابتدایی‌ترین و از نظر گستردگی، جهان‌شمول‌ترین سازمان یا نهاد اجتماعی است. این امر نشان می‌دهد که خانواده واجد ارزش بقایی بسیار مهمی برای فرد و نوع انسان است. بحث پیرامون خانواده و راه‌های تحکیم آن، از بحث‌های متداول مجامع علمی است و علوم مربوط به آن تلاش می‌کنند تدابیری به عمل آورند که روزبه‌روز میزان ثبات خانواده را فزونی بخشند(Sharyati&Colleagues, 2010).

تعارض در روابط زوجین، امری شایع است و هیچ خانواده‌ای از این امر مستثنی نیست، اما گاهی این تعارضات به تعارض‌های شدید تبدیل می‌شود. امروزه زوجین درگیر انواع مختلفی از تعارضات هستند که سبب عدم کارکرد خوب و سالم خانواده می‌شود و نهادی که وظیفه اصلی‌اش تقویت روحیه و شخصیت سالم است، خود به عاملی برای ایجاد تعارضات عاطفی، رفتاری و شخصیتی مبدل می‌گردد(میرزایی، زارعی و صادقی‌فرد، ۱۳۹۸). تعارض‌های زناشویی، حاصل اختلاف‌نظر زوج‌ها در زمینه اهداف شخصی، انگیزه‌ها، ارزش‌هاست. اولویت‌های رفتاری، امری اجتناب‌ناپذیر و طبیعی تلقی می‌شود و به گونه معمول زمانی اتفاق می‌افتد که عدم توافق، ناسازگاری و یا بی‌تفاوتی بین زوج‌ها وجود داشته باشد(هوشمندی و همکاران، ۱۳۹۸). تعارض شدید زوجین با پیامدهایی از قبیل والدگری ضعیف، افزایش دیدگاه منفی فرزندان نسبت به ازدواج و افزایش احتمال خشونت والدین نسبت به دختران در ارتباط است(پهلوان و همکاران، ۱۳۹۴).

بر این اساس برای پایداری و استحکام خانواده، کاهش تعارضات و افزایش آرامش و مودت و رحمت در روابط زوجین، از موضوعات مورد توجه در منابع اسلامی است. برای کاهش و مدیریت تعارضات زوجین، فعالیت‌های مختلفی از جمله آموزش و مشاوره در جامعه انجام می‌شود. هدف زوجین از شرکت در مشاوره‌های خانوادگی و زوجی، بهبود ارتباطات، افزایش اعتماد، حل تعارضات و تقویت صمیمیت است. با توجه به روابط زوجین در جامعه و مشاوره‌های انجام‌شده در مرکز بهارنکو، نیاز بود که وضعیت تعارضات زناشویی را در بین زوجین مراجعه‌کننده به این مرکز بررسی و ارتباط ویژگی‌های دموگرافیک خانوادگی

با این تعارضات نیز مشخص شود. این اطلاعات اولیه می‌تواند به این مرکز در پیشبرد اهداف مشاوره‌ای و کمک به زوجین در ساختن خانواده‌ای مستحکم مؤثر باشد. همچنین این مطالعه می‌تواند به سیاستگذاران جامعه برای تدوین بهتر مداخلات و برنامه‌ها برای بهبود کیفیت روابط زناشویی کمک کند.

بررسی تحقیقات مربوط به تعارضات زناشویی نشان می‌دهد که تعارضات زناشویی و طلاق، از مهم‌ترین عوامل تنش‌زا در خانواده است که در آن رفتارهای خشونت‌آمیز مانند توهین، سرزنش و انتقاد و حمله فیزیکی وجود دارد و هر یک از زوجین عقیده دارند که همسرشان آدم نامطلوب و ناسازگاری است و موجب رنجش و عذاب او می‌شود(سلیمانی و همکاران، ۱۴۰۰).

در یک مرور نظام‌مند در مجموع تعداد ۴۱ عامل (با فراوانی ۳۷۵) به عنوان علل تعارضات زناشویی، شناسایی و در ۶ دسته طبقه‌بندی شدند که به ترتیب از بیشترین میزان عبارت بودند از: عوامل خانوادگی با ۴۰/۸۰ درصد فراوانی، عوامل فردی با ۴۰/۵۳ درصد فراوانی، عوامل محیطی با ۱۶/۲۷ درصد فراوانی و عوامل معنوی با ۲/۴ درصد فراوانی. همچنین عمده‌ترین علل تعارضات زناشویی از بین ۶۰ عامل، عبارت بودند از: مشکلات مالی، دخالت خانواده‌ها و اطرافیان، خشونت جسمانی و کلامی، ضعف مهارت‌های ارتباطی و حل مسئله، مشکلات جنسی(هوشمندی، احمدی و کیامنش، ۱۳۹۸). بشکار و همکارن(۱۳۹۱) علل تعارضات زناشویی را خرج کردن پول، روابط با خویشاوندان، کودکان، تقسیم کارهای خانه و بچه‌داری، ارتباط و رو راستی به‌ویژه درباره احساسات منفی، محل سکونت، دلبستگی غیر جنسی طرفین به شخص دیگر، انتخاب شغل یا درآمد همسر، داشتن یا نداشتن فرزند، انتخاب انواع تفریحات، اجتماعی بودن، مقدار زمانی که با یکدیگر هستند، استراحت حاصل از بیماری‌های جسمانی، قدرت کنترل بر تصمیم‌گیری‌های خانواده و شیوه‌های انجام مراسم مذهبی دانسته‌اند.

در تحقیقات، ارتباط ویژگی‌های دموگرافیک و تعارضات زناشویی نیز مورد بررسی قرار گرفته است. برای مثال منصوریان و فخرایی(۱۳۷۸) نشان دادند که میزان تحصیلات زن و

مرد، فرد تصمیم‌گیرنده اصلی در ازدواج زنان، مدت آشنایی پیش از ازدواج، رویدادهای مثبت و منفی خانواده، چرخه زندگی خانواده، درآمد زن، چگونگی اعمال قدرت از سوی شوهر، فشارهای اقتصادی، انواع رابطه عاطفی و زناشویی همسران با یکدیگر و چگونگی ارتباط آنان با خویشاوندان و دوستان، رابطه‌ای معنادار با میزان تعارضات دارد. لهسایی‌زاده، مردانی و حکیمی‌نیا(۱۳۹۲) نیز نشان دادند که بین تعارض زناشویی و تحصیلات زوجین، اشتعال زنان، فاصله سنی زوجین، طول مدت ازدواج، رضایتمندی جنسی، میزان اعتماد به نفس، دخالت خانواده‌ها و عدم تفاهم و عدم تجانس فرهنگی و اعتقادی و اعتیاد، رابطه‌ای معنادار وجود دارد. بالا بودن سطح تحصیلات زوجین، عامل تفاهم و تداوم زندگی است. بنابراین می‌توان اذعان کرد که یکی از عوامل استحکام خانواده‌ها، بالا بودن سطح سواد است؛ زیرا این عامل موجبات افزایش آگاهی آن‌ها را برای حل مسائل و مشکلات زندگی و موجبات تفاهم بیشتر و در نهایت تداوم زندگی آن‌ها را فراهم می‌کند. فرامرزی، جعفری‌نیا و پاسالارزاده(۱۳۹۸) نشان دادند که بین سن، مدت ازدواج و تعداد فرزندان و تعارضات زناشویی، رابطه معناداری وجود دارد؛ اما میان وضعیت اشتغال، تحصیلات پاسخگو و تحصیلات همسر با تعارضات زناشویی، رابطه آماری مشاهده نشد. پاشا شریفی و توکلی(۱۳۹۸) نیز مشکلات اقتصادی، سطح تحصیلات پایین، تفاوت سنی، عدم رعایت اصول بهداشتی، کمبود مهارت‌های زندگی، ضعف در برقراری ارتباط مؤثر، کمبود سرگرمی و برنامه‌های متنوع، عوامل روان‌شناختی و عاطفی، عوامل اجتماعی، مشکلات جنسیتی زوجین و عدم مشارکت در کار منزل را به عنوان عوامل مؤثر در تعارضات زناشویی در دوران کرونا معرفی کردند. همچنین صلاحیان و همکاران(۱۳۸۹) در یافته‌های خود نشان دادند که بین تحصیلات و تعارضات رابطه منفی وجود دارد. در مقابل سعیدیان(۱۳۸۲) میان متغیرهای جمعیتی و تعارضات زناشویی، رابطه معناداری به دست نیاورد.

با توجه به مطالعات پیشین این مطالعه درصدد پاسخگویی به این سؤالات است که سطح تعارضات زناشویی زوجین مراجعه‌کننده به بهارنکو چه میزان است؟ رایج‌ترین تعارضات زناشویی در زوج‌های جوان (بیش از ۵ سال از زندگی مشترک آن‌ها نمی‌گذرد)

کدام است؟ آیا میان تحصیلات پاسخگو، تحصیلات همسر، سن پاسخگو، سن همسر، تعداد فرزندان، مدت زمان ازدواج، دارایی‌های خانواده همسر و دارایی‌های خانواده پاسخگو و تعارضات زناشویی، رابطه آماری معناداری وجود دارد؟

روش پژوهش

مطالعه حاضر یک پژوهش کمّی است که با روش پیمایش انجام شده است. جامعه آماری، شامل زوجین مراجعه‌کننده به مرکز بهارنکو در شیراز است. حجم نمونه ۳۴۶ نفر است. روش نمونه‌گیری نیز در دسترس بوده است. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش عبارتند از: ابزار پژوهش که همان پرسشنامه تعارض‌های زناشویی(marital conflict questionnaire- MCQ) و یک ابزار خودگزارش‌دهی و شامل ۵۴ ماده است. سؤال‌های این پرسشنامه و خرده‌مقیاس‌های آن برای سنجیدن میزان تعارضات زن و شوهر ساخته شده است. این پرسشنامه به وسیله ثنایی ساخته شده است که ۸ خرده‌مقیاس (کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزندان، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه با خویشاوندان همسر و دوستان، جداکردن امور مالی از یکدیگر و کاهش ارتباط مؤثر) را به روش پاسخ‌دهی ۵ گزینه‌ای لیکرت (از هرگز با نمره یک تا همیشه با نمره ۵) اندازه‌گیری می‌کند. سؤالات ۳، ۱۱، ۱۴، ۲۶، ۳۰، ۳۳، ۴۵، ۴۷ و ۵۴ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. دامنه نمرات بین ۵۴ تا ۲۷۰ است و در مجموع یک نمره کلی از تعارض زناشویی به دست می‌دهد. این پرسشنامه تعارض زوج‌ها را در سه سطح «تعارض در حد طبیعی با نمره ۷۹ تا ۱۴۹»، «تعارض بیش از حد طبیعی با نمره ۱۵۰ تا ۱۸۶» و «تعارض بسیار شدید با نمره بالاتر از ۱۸۷» طبقه‌بندی می‌کند.

به گزارش براتی و ثنایی(۱۳۷۹)، این پرسشنامه از روایی و اعتبار قابل قبولی برخوردار است. در هنجاریابی مجدد ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس را ۰/۷۱ و برای کاهش همکاری ۰/۷۳، کاهش رابطه جنسی ۰/۶۰، افزایش واکنش‌های هیجانی ۰/۷۴، افزایش جلب حمایت فرزندان ۰/۸۱، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود ۰/۶۵، کاهش رابطه با خویشاوندان همسر و دوستان ۰/۸۱و جداکردن امور مالی از یکدیگر ۰/۶۹ گزارش کرده

است. روایی محتوایی پرسشنامه، تأیید و پایایی کل به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۶ و برای خرده‌مقیاس در دامنه‌ای بین ۰/۶۱ تا ۰/۸۹ به دست آمد(ثنایی و همکاران، ۱۳۹۶). در مطالعه حاضر پایایی کل به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۸ به دست آمد.

یافته‌ها

از ۳۴۶ شرکت‌کننده، ۲۲۶ نفر زن و ۱۲۰ نفر مرد بودند که ۶۵ درصد شرکت‌کنندگان را خانم و ۳۵ درصد آن‌ها را مردان تشکیل می‌دادند. دامنه سنی افراد شرکت‌کننده از ۱۸ تا ۵۵ سال و میانگین سنی افراد شرکت‌کننده، ۳۴ سال بود. تحصیلات شرکت‌کنندگان شامل ۱۲۱ نفر دیپلم و زیر دیپلم (۳۵٪)، ۱۵۹ نفر لیسانس (۴۶٪)، ۶۵ نفر ارشد و دکتری (۱۹٪)، پزشکی ۱ نفر (۰/۳٪) است. از این تعداد ۲۹ نفر مدت آشنایی کمتر از ۱ ماه داشتند. ۴۵ نفر مدت آشنایی ۱ تا ۲ ماه، ۷۵ نفر مدت اشنایی ۲ تا ۶ ماه و ۵۹ نفر مدت آشنایی ۶ ماه تا یکسال را داشته‌اند. مدت آشنایی ۱۳۸ نفر نیز بیش از ۱ سال بوده است. ۲۴۳ نفر از این افراد سابقه نامزدی داشته (۷۰٪) و ۱۰۳ نفر سابقه نامزدی نداشته‌اند (۳۰٪). ۲۱ نفر از زوجین همسن، ۲۳۶ نفر آقا بزرگتر از خانم و ۸۹ نفر خانم بزرگتر از آقا هستند. دامنه تفاوت سنی از ۰ تا ۵۲ سال است. تحصیلات همسر شرکت‌کنندگان شامل ۱۸۹ نفر دیپلم و زیر دیپلم (۵۳٪)، ۱۱۱ نفر لیسانس (۳۲٪)، ۵۲ نفر ارشد و دکتری (۱۵٪)، پزشکی ۱ نفر (۰/۳٪) است. تحصیلات خانواده شرکت‌کنندگان شامل ۳۱۴ نفر دیپلم و زیر دیپلم (۹۱٪)، ۲۶ نفر لیسانس (۸٪)، ۶ نفر ارشد و دکتری (۱٪) است. تحصیلات خانواده همسر شامل ۳۱۹ نفر دیپلم و زیر دیپلم (۹۲٪)، ۲۶ نفر لیسانس (۷٪)، ۱ نفر ارشد و دکتری (۰/۳٪) است. دارایی‌های خانواده‌های فرد، ۷۷ نفر ۱ مورد دارایی، ۱۲۰ نفر ۲ مورد دارایی، ۹۲ نفر ۳ مورد دارایی، ۲۴ نفر ۴ مورد و ۳ نفر ۵ مورد دارایی داشتند. ۳۰ نفر هیچ دارایی نداشتند. دارایی‌های خانواده‌های همسر فرد، ۸۶ نفر ۱ مورد دارایی، ۱۱۸ نفر ۲ مورد دارایی، ۹۲ نفر ۳ مورد دارایی، ۱۷ نفر ۴ مورد و ۲ نفر ۵ مورد دارایی داشتند. ۳۱ نفر هیچ دارایی نداشتند.

از این شرکت‌کنندگان ۱۵۲ نفر فرزند نداشتند، ۱۱۶ نفر یک فرزند داشتند. ۴۵ نفر ۲ فرزند، ۱۹ نفر ۳ فرزند و ۱۵ نفر بیش از ۳ فرزند داشتند. قومیت شرکت‌کنندگان ۲۷۸ نفر فارس، ۳۹

نفر ترک، ۵ نفر کرد، ۱۸ نفر لر و ۶ نفر از سایر اقوام بودند. قومیت همسر ۲۶۵ نفر فارس، ۳۵ ترک، ۴ نفر کرد، ۳۵ نفر لر، ۷ نفر سایر اقوام بودند.

در جدول شماره ۱ میانگین و انحراف استاندارد نمره کل تعارض و زیر مقیاس‌های تعارض زناشویی قابل مشاهده است:

جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد تعارضات زناشویی و زیر مقیاس‌های آن

متغیرها	میانگین	انحراف معیار
تعارض	۱۱۸/۰۲	۲۵
کاهش همکاری	۸	۳
کاهش ارتباط جنسی	۱۱	۳
واکنش هیجانی	۲۰	۵
رابطه با خویشاوندان خود	۱۰	۳
رابطه با خویشاوندان همسر	۱۰	۴/۰۴
امور مالی	۱۵	۴
حمایت فرزند	۱۲	۳
اختلال در روابط	۳۱	۸

از ۳۴۶ نفر ۸۶ درصد تعارضات بهنجار را تجربه می‌کردند. تعارضات ۱۲ درصد بیش از حد بهنجار بود و تعارضات نزدیک به ۰/۱ درصد یعنی فقط سه نفر در حد آسیب و بیشتر بود. همان‌گونه که در جدول مشاهده می‌شود، بیشترین تعارضات در ابعاد اختلال در روابط، واکنش‌های هیجانی و امور مالی خود را نشان داده است. این مورد در گروه‌های خاص (افراد با تحصیلات مختلف، با تفاوت سنی متفاوت، مدت آشنایی متفاوت و ...) نیز دیده می‌شود.

برای بررسی این سؤال تحقیق که رایج‌ترین تعارضات زناشویی در زوج‌های جوان کدام است، از روش آماری اندازه‌گیری مکرر استفاده شد. در ۵ سال اول زندگی زناشویی بر اساس میانگین و انحراف استاندارد، ابعاد و سؤالات تعارضات زناشویی مشخص شده است. بیشترین

تعارضات افرادی که کمتر از ۵ سال از زندگی مشترک‌شان می‌گذرد، در ابعاد زیر است:

جدول ۲. میانگین و انحراف استاندارد ابعاد تعارضات زناشویی در ۵ سال اول زندگی مشترک

سؤالات و مؤلفه‌های ابعاد تعارض	میانگین	انحراف استاندارد
اختلال در روابط	۳۳	۹
واکنش هیجانی	۲۰	۵
امور مالی	۱۵	۴
کاهش امور جنسی	۱۱	۴/۰۱
حمایت فرزند	۱۲	۳
ارتباط با خانواده خود	۱۰	۳
ارتباط با خانواده همسر	۱۰/۰۲	۳
کاهش همکاری	۸	۲

تعداد = ۲۶۳ نفر

در ۵ سال اول زندگی مشترک نیز بیشترین تعارضات در ابعاد اختلال در روابط، واکنش‌های هیجانی و امور مالی خود را نشان داده است. در ۵ سال اول زندگی مشترک، واکنش بیشتر افراد به تعارضات زناشویی به ترتیب ترک خانه یا اتاق (۴±۱/۰۵)، قطع رابطه جنسی با همسر (۳/۰۴±۱) و عدم ابراز احساس بد به همسر از ترس عصبانیت وی (۳±۱) بوده است.

برای بررسی رابطه میان تحصیلات پاسخگو، تحصیلات همسر، سن پاسخگو، سن همسر، تعداد فرزندان، مدت زمان ازدواج، دارایی‌های خانواده همسر و دارایی‌های خانواده پاسخگو و نیز تعارضات زناشویی، از محاسبات رگرسیون استفاده شد. نتایج همبستگی متغیرها در جدول زیر نشان داده شده است:

جدول ۳. همبستگی بین تحصیلات پاسخگو، تحصیلات همسر، سن پاسخگو، سن همسر، تعداد فرزندان، مدت زمان ازدواج، دارایی‌های خانواده همسر، دارایی‌های خانواده پاسخگو، تحصیلات خانواده پاسخگو و تحصیلات خانواده همسر

متغیرها	ضریب همبستگی	سطح معناداری	تعداد
سن پاسخگو	-۰/۰۲۴	-۰/۰۰۱	۳۳۵
تحصیلات پاسخگو	-۰/۰۲۷	-۰/۰۰۱	۳۳۵
سن همسر	-۰/۰۱۶	-۰/۰۰۱	۳۳۵
طول ازدواج	-۰/۰۴	-۰/۰۰۱	۳۳۵
مدت آشنایی	-۰/۰۷۳	-۰/۰۹۱	۳۳۵
میزان تفاوت سنی با همسر	-۰/۰۴۳	-۰/۰۰۱	۳۳۵
تحصیلات همسر	-۰/۰۱۶	-۰/۰۰۱	۳۳۵
دارایی‌های خانواده پاسخگو	۰/۰۲۹	-۰/۰۰۱	۳۳۵
دارایی‌های خانواده همسر	-۰/۰۱۳	-۰/۰۰۱	۳۳۵
تحصیلات خانواده پاسخگو	-۰/۰۵۷	-۰/۰۰۱	۳۳۵
تحصیلات خانواده همسر	-۰/۰۷۴	-۰/۰۸۷	۳۳۵

با توجه به همبستگی‌های جدول، همه متغیرهای تحصیلات پاسخگو، تحصیلات همسر، سن پاسخگو، سن همسر، تعداد فرزندان، مدت زمان ازدواج، دارایی‌های خانواده همسر و دارایی‌های خانواده پاسخگو با تعارضات زناشویی رابطه معناداری دارند؛ یعنی هر چه سن پاسخگو بیشتر باشد، تعارضات زناشویی کمتری را تجربه می‌کنند. همچنین هر چه تحصیلات فرد و همسرش و خانواده‌های زوجین بیشتر باشد، تعارضات زناشویی کمتری را تجربه می‌کنند. هر چه طول مدت ازدواج بیشتر باشد، تعارضات زناشویی کمتری را تجربه می‌کنند. هر چه زوجین مدت آشنایی بیشتری را پشت سر گذاشته باشند، تعارضات زناشویی کمتری را تجربه می‌کنند. هر چه میزان تفاوت سنی با همسر بیشتر باشد، تعارضات زناشویی نیز میزان کمتری دارد. درباره دارایی‌های خانواده نیز هر چه تعداد دارایی‌های خانواده پاسخگو بیشتر باشد، تعارضات زناشویی نیز بیشتر است و هر چه تعداد دارایی‌های

خانواده همسر بیشتر باشد، نمره تعارضات زناشویی کاهش می‌یابد.

جدول ۴. مدل رگرسیونی متغیرهای مستقل و تعارضات زناشویی

متغیره	R	R۲	ضریب B	خطای استاندارد	Beta	مقدار T	سطح معناداری
سن پاسخگو	۰/۰۰۰۱	۰/۰۱۹	۰/۰۲۸	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۷	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱
تحصیلات پاسخگو			۰/۰۰۰۱	۱	۰/۰۱۶	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱
طول ازدواج			۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۴۰	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱
مدت آشنایی			۱	۱/۰۷	۰/۰۷۷	۱	۰/۰۰۰۱
میزان تفاوت سنی با همسر			۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۵۷	۱/۰۱	۰/۰۰۰۱
تحصیلات همسر			۰/۰۰۰۱	۱	۰/۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱
دارایی‌های خانواده پاسخگو			۰/۰۰۰۱	۱/۰۴۹	۰/۰۲۷	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱
دارایی‌های خانواده همسر			۰/۰۰۰۱	۱/۰۱	۰/۰۱۷	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱
تحصیلات خانواده پاسخگو			۲	۴/۰۰۶	۰/۰۴۵	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱

با توجه به مدل رگرسیونی، متغیرهای مستقل تنها توانسته‌اند ۰/۰۱۹ از تعارضات زناشویی را پیش‌بینی کنند. متغیرهای دموگرافیک نیز تنها یک درصد از تغییرات تعارضات زناشویی را پیش‌بینی می‌کنند. از بین این متغیرها سهم مدت زمان آشنایی، میزان تفاوت سنی و طول ازدواج در تبیین تعارضات زناشویی بیشتر است.

در بررسی دیگر نتایج پژوهش، تفاوت گروه‌های مختلف از نظر تعارضات زناشویی با یکدیگر مقایسه شدند. بررسی تفاوت جنسیتی با آزمون تی‌تست مستقل نشان داد که زنان و مردان در میزان تعارض زناشویی و زیر مقیاس‌های آن تفاوت معناداری را ندارند. تحلیل

واریانس یک راهه نشان داد از نظر تحصیلات در تعارضات زناشویی تفاوت معناداری بین گروه‌های دیپلم، لیسانس و دکتری و ارشد وجود نداشت. همچنین تعارضات زناشویی در سال‌های ازدواج (۰ تا ۱ سال، ۲ تا ۵ سال، ۶ تا ۱۰ سال و بیش از ۱۰ سال) و مدت زمان آشنایی اختلاف معناداری را نشان نداد. افرادی که سابقه دوره نامزدی داشتند و افرادی که سابقه دوره نامزدی نداشتند، به طور کلی تفاوتی در میزان تعارضات زناشویی نشان ندادند؛ اما ابعاد کاهش رابطه جنسی و رابطه با خویشاوندان همسر این تفاوت معنادار شد (t=۱/۸۴، p<۰/۰۶) و (t=۱/۸۷، p<۰/۰۶)؛ بدین معنا که افراد دارای سابقه نامزدی، کاهش رابطه جنسی با همسر و کاهش رابطه با خویشاوندان همسر را بیشتر از افراد بدون سابقه نامزدی نشان داده‌اند. بین وضعیت تفاوت سنی (هم سن، آقا بزرگتر، خانم بزرگتر) و تعارضات زناشویی در تحلیل واریانس یک راهه تفاوت معنادار وجود ندارد. تنها در زیر مقیاس تعارضات درباره فرزند در گروه همسن‌ها، افزایش جلب حمایت از فرزندان بیشتر از گروهی بود که آقایان بزرگتر هستند (f=۴/۹۵، p<۰/۰۰۸).

نتیجه‌گیری

دگرگونی‌های همه‌جانبه در جامعه امروزی، نهاد خانواده را نیز از تغییرات ناگزیر در امان نگذاشته است و آن را دستخوش تغییرات مهم کرده است. یکی از موضوعاتی که طبیعتاً تمام خانواده‌ها با آن مواجه هستند، تعارضات زناشویی است. نکته مهمی که می‌تواند خانواده را دچار بحران کند، میزان شدت این تعارضات است. از این‌رو با توجه به دامنه اثرگذاری و اهمیت این موضوع، مطالعه حاضر به بررسی میزان تعارضات و رایج‌ترین تعارضات در زوجین و نیز شناسایی مؤلفه‌های دموگرافیک مؤثر بر تعارضات زناشویی پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که ۸۶ درصد زوجین مراجعه‌کننده به مرکز بهارنکو در شیراز، تعارضات بهنجار را تجربه می‌کنند، تعارضات ۱۲ درصد بیش از حد بهنجار بود و تعارضات نزدیک به ۰/۱ درصد یعنی فقط سه نفر در حد آسیب و بیشتر بود. بیشترین تعارضات در ابعاد اختلال در روابط، واکنش‌های هیجانی و امور مالی خود را نشان داده است. این مورد در گروه‌های خاص (افراد با تحصیلات مختلف، با تفاوت سنی متفاوت،

مدت آشنایی متفاوت و ...) نیز دیده می‌شود. در تبیین این نتیجه این احتمال وجود دارد که شرکت در مشاوره‌های خانوادگی و آموزش‌های پیش از ازدواج، به افراد در مدیریت و حل تعارضات کمک کرده است. بنابراین تعارض اکثریت افراد در حد بهنجار بوده است.

در ۵ سال اول زندگی مشترک نیز بیشترین تعارضات در ابعاد اختلال در روابط، واکنش‌های هیجانی و امور مالی خود را نشان داده است. در ۵ سال اول زندگی مشترک واکنش بیشتر افراد به تعارضات زناشویی به ترتیب ترک خانه یا اتاق (۴±۱/۰۵)، قطع رابطه جنسی با همسر (۳/۰۴±۱) و عدم ابراز احساس بد به همسر از ترس عصبانیت وی (۳±۱) بوده است. در سال‌های اولیه زندگی زناشویی عموم افراد از مهارت کافی برای زندگی زناشویی برخوردار نیستند(سامانی، ۱۳۸۶). این موضوع یا به دلیل فقدان مهارت و یا به دلیل مبتدی بودن افراد برای زندگی زناشویی است. اختلال در روابط و واکنش هیجانی، نشانه‌ای از عدم مهارت برای زندگی زناشویی است. با توجه به وضعیت اقتصادی در چند سال اخیر این موضوع نیز می‌تواند علت مهمی برای اختلافات در سال‌های اولیه زندگی زناشویی باشد. این امر نیاز به آموزش مهارت‌ها بالاخص مهارت مدیریت هیجان، مهارت ارتباطی و مهارت حل تعارض را به زوجین نشان می‌دهد.

از دیگر یافته‌های پژوهش این بود که متغیرهای تحصیلات پاسخگو، تحصیلات همسر، سن، تعداد فرزندان، مدت زمان ازدواج، دارایی‌های خانواده همسر و دارایی‌های خانواده پاسخگو با تعارضات زناشویی رابطه معناداری دارند. هر میزان تحصیلات فرد و همسرش و خانواده‌های زوجین بیشتر باشد، تعارضات زناشویی کمتری را تجربه می‌کنند. این یافته همسو با مطالعات منصوریان و فخرایی(۲۰۰۸)، یوسفی و عزیزی(۱۳۹۷) و نوتاش(۱۳۹۸) است. لینگستاد(۲۰۰۵) در مطالعه‌ای با عنوان چرا همسرانی که والدین با تحصیلات بالایی دارند، بالاترین میزان طلاق را دارند؟ بیان کرد که نمی‌شود خطر از هم پاشیدگی زندگی همسران با والدین با تحصیلات بالا را به تاریخچه ازدواج والدین‌شان، عامل اقتصادی و محیطی نسبت داد؛ ولی به باور وی برخی عوامل اجتماعی و فرهنگی می‌تواند به رشد خطر طلاق کمک کند. این احتمال وجود دارد که افراد در طول تحصیلات خود تجارب بیشتری را کسب می‌کنند

و تحصیلات فضای یادگیری روش‌های مدیریت تعارضات و هیجانات و مهارت ارتباطی را بیشتر برای افراد فراهم می‌کند. به هر میزان سن پاسخگو بیشتر باشد، تعارضات زناشویی کمتری را تجربه می‌کنند. این یافته‌ها با یافته‌های سروش و البرزی(۱۳۹۷)، پهلوان(۱۳۹۴)، یوسفی و عزیزی(۱۳۹۷) و فرامرزی، جعفری‌نیا و پاسالارزاده(۱۳۹۸) همسویی دارد. در تبیین آن می‌توان گفت هر چه سن افراد بیشتر می‌شود، تجارب زندگی نیز بیشتر می‌شود و توانایی مدیریت خود و تعارضات نیز متناسب با افزایش تجربه افزایش می‌یابد؛ در نتیجه تعارضات کمتر خواهد شد. همچنین مشاهده شد که تعداد فرزندان نیز با تعارضات رابطه معنادار دارد. هر چه تعداد فرزندان بیشتر باشد، تعارضات کمتر است(همسو با سروش و البرزی، ۱۳۹۷). بر اساس تحقیقات فرامرزی، جعفری‌نیا و پاسالارزاده(۱۳۹۸) این احتمال وجود دارد که افراد به علت حضور فرزندان، میزان اختلافات خود را کمتر و یا برای حل آن اقدام و سعی کنند به خاطر فرزندان کمتر بحث کنند و تعارضات کمتری را بروز دهند.

هر چه طول مدت ازدواج بیشتر باشد، تعارضات زناشویی کمتری را تجربه می‌کنند. این یافته نیز همسو با یافته سروش و البرزی(۱۳۹۷)، پهلوان(۱۳۹۴) و فرامرزی، جعفری‌نیا و پاسالارزاده(۱۳۹۸) بود. هر چه مدت ازدواج طولانی‌تر شود، افراد از یکدیگر شناخت بیشتر به دست می‌آورند و در نتیجه راه‌های حل تعارضات را به صورت تجربی یا اکتسابی در طول زمان می‌آموزند؛ در نتیجه میزان تعارضات کمتری را نشان خواهند داد. همچنین هر چه زوجین مدت آشنایی بیشتری را پشت سر گذاشته باشند، تعارضات زناشویی کمتری را تجربه می‌کنند. هر چه میزان تفاوت سنی با همسر بیشتر باشد، تعارضات زناشویی نیز میزان کمتری دارد. درباره دارایی‌های خانواده نیز هر چه تعداد دارایی‌های خانواده پاسخگو بیشتر باشد، تعارضات زناشویی نیز بیشتر است و هر چه تعداد دارایی‌های خانواده همسر بیشتر باشد، نمره تعارضات زناشویی کاهش می‌یابد. متغیرهای مستقل تنها توانسته‌اند ۰/۰۰۰۱ از تعارضات زناشویی را پیش‌بینی کنند. متغیرهای دموگرافیک تنها یک درصد از تغییرات تعارضات زناشویی را پیش‌بینی می‌کنند. از بین این متغیرها سهم مدت زمان آشنایی، میزان تفاوت سنی و طول ازدواج در تبیین تعارضات زناشویی بیشتر است. در مجموع با توجه به

نتایـج پژوهـش حاضـر می‌توان به نقش مؤلفه‌هـای دموگرافیک و اجتماعـی در بروز و میزان تعارضات زناشویی اشاره کرد که به شدت نهاد خانواده را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

در بررسـی دیگـر نتایـج پژوهش، تفـاوت گروه‌های مختلـف از نظر تعارضات زناشـویی با یکدیگر مقایسـه شـدند. بررسـی تفاوت جنسـیتی در میزان تعارضات زناشویی نشان داد که زنـان و مـردان در میـزان تعـارض زناشـویی و زیـر مقیاس‌های آن تفـاوت معناداری را نشـان ندادنـد. از نظـر تحصیـلات در رضایت زناشـویی و تعارضات زناشـویی تفـاوت معناداری بین گروه‌های دیپلم، لیسانس و دکتری و ارشد وجود نداشت. بین سال‌های ازدواج (۰ تا ۱ سال، ۲ تـا ۵ سـال، ۶ تـا ۱۰ سـال و بیش از ۱۰ سـال) و تعارضات زناشـویی اختلاف معنـاداری وجود نداشت. بین مدت زمان آشنایی و میزان تعارضات زناشویی تفاوت معنادار نشد. افرادی که سابقه دوره نامزدی داشتند و افرادی که سابقه دوره نامزدی نداشتند، به طور کلی تفاوتی در میزان تعارضات زناشویی نشان ندادند؛ اما ابعاد کاهش رابطه جنسی و رابطه با خویشاوندان همسـر این تفـاوت معنادار شـد (t=۱/۸۴، p<۰/۰۶) و (t=۱/۸۷، p<۰/۰۶). بدیـن معنا که افراد دارای سـابقه نامزدی، کاهش رابطه جنسـی با همسـر و کاهش رابطه با خویشاوندان همسر را بیشتر از افراد بدون سابقه نامزدی نشان داده‌اند. در دوران نامزدی عموم افراد از مهارت کافـی بـرای زندگی زناشـویی برخوردار نیسـتند. به تازگی وارد یک نقش جدید شـده‌اند، فرد جدیـد بـا هنجارها و حساسـیت‌های جدید به خانواده‌ها اضافه شـده اسـت. از سـوی دیگر زندگی زناشـویی بـه دلیـل اینکه افـراد پیش از این سـابقه چندانـی بـرای تصمیم‌گیری‌های مسـتقل ندارند، ممکن اسـت تمایل بـه دخالت دادن دیگران به‌ویژه اعضـای خانواده خود در تصمیم‌گیری‌ها داشـته باشـند و این موضوع موجب می‌شـود تا دخالت دادن دیگران در تصمیم‌گیری‌ها عامل برای بروز مشـکلات در این دوران شـود. عموم فعالیت‌های مربوط به ازدواج در جامعه ایرانی با هماهنگی و حمایت خانواده‌های زوج‌های جوان صورت می‌پذیرد و این موضوع مقدمه‌ای برای دخالت خانواده‌ها در امور آتی آن‌ها به‌ویژه در دوران نامزدی خواهـد بود(بیتـا و همـکاران، ۱۴۰۲). ایـن امـر می‌توانـد خاطـرات منفـی در ذهـن هـر دو طـرف ایجاد کند و همین منجر به کاهش ارتباط با خانواده همسـر در اختلافات آینده شـود. میان

وضعیت تفاوت سـنی (هم سـن، آقا بزرگتر، خانم بزرگتر) و تعارضات زناشـویی تفاوت معنادار وجـود نـدارد. تنهـا در زیر مقیاس تعارضـات در مورد فرزند در گروه همسـن‌ها، افزایش جلب حمایـت از فرزنـدان بیشـتر از گروهی بود که آقایـان بزرگتر هسـتند (f=۴/۹۵، p<۰/۰۰۸). این احتمال وجود دارد که سن به عنوان یک عامل قدرت در تعارضات و قانع‌سازی طرف مقابل کمک‌کننده است، اما زمانی که زوجین هم سن هستند؛ در تعارضات نیاز به فرد کمکی برای افزایـش قدرت خود در مقابل همسـر دارند. زوجین با افزایـش جلب حمایت از فرزندان این مثلث‌سازی را انجام می‌دهند.

در مجموع می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد علی‌رغم اینکه تعارضات زناشـویی بیشـتر در حوزه روان‌شـناختی مورد بحث اسـت و به عنوان یک مسـئله روان‌شـناختی مورد توجه قرار دارد، اما می‌تواند به شدت تحت تأثیر مؤلفه‌های دموگرافیک و اجتماعی قرار گیرد. بنابراین لازم اسـت مسـئولین در حوزه خانواده، سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها به این متغیرها نیز توجه کافی داشته باشند. با توجه به عوامل به دست‌آمده، نیاز به آموزش زوجین برای حل تعارضات نیز ضروری به نظر می‌رسد.

فهرست منابع

الف: منابع فارسی

۱. براتی، طاهره و باقر ثنایی ذاکر(۱۳۷۹)، «تأثیر تعارضات زناشویی بر روابط متقابل زن و شوهر»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن.

۲. بشکار، سلطانعلی، منصوره سودانی و منیجه شهنی ییلاق(۱۳۹۱)، «تأثیر اموزش مهارت‌های مدیریت خشم در کاهش تعارضات زناشویی»، مجله دستاوردهای روان‌شناختی (علوم تربیتی و روان‌شناسی)، دوره ۴، ش ۱، ص ۲۲۶ ـ ۱۱۹.

۳. بیتا، فاطمه، فاطمه جمالی، سیامک سامانی و حمید مقامی(۱۴۰۲)، «عمده‌ترین عوامل ایجادکننده درگیری زناشویی زوج‌های جوان در دوران نامزدی، عقد و دو سال اول ازدواج در شیراز»، اولین همایش ملی ازدواج و خانواده سالم: چالش‌ها و راهکارها، قائنات، خراسان رضوی.

۴. پاشا شریفی، حسن و معصومه توکلی(۱۳۹۸)، «بررسی عوامل و راهکارهای رویارویی با تعارضات زناشویی هنگام بحران اخبار کووید ۱۹»، دوفصلنامه علمی آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده، دوره ۵، ش ۲ (پیاپی ۱۰)، ص ۱۱۸ ـ ۹۵.

۵. پهلوان، مینا، فرشته موتابی، محمدعلی مظاهری(۱۳۹۴)، «واکنش به تعارض زناشویی: مطالعه‌ای بین نسلی»، مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران، دوره ۲۱، ش ۳، ص ۲۱۴ ـ ۲۰۲.

۶. ثنایی، باقر، ستیلا علاقمند، شهره فلاحتی و عباس هومن(۱۳۹۶ش)، مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج، تهران: بعثت.

۷. سامانی، سیامك(۱۳۸۶)، «بررسی عمده‌ترین عوامل ایجادکننده درگیری زناشویی در گروهی از دانشجویان متأهل در دانشگاه شیراز»، فصلنامه خانواده‌پژوهی، دوره ۳، ش ۳ (پیاپی ۳)، ص ۶۶۸ ـ ۶۵۸.

۸. سروش، مریم و صدیقه البرزی(۱۳۹۷)، «مطالعه رابطه سرمایه‌های در اختیار زوجین و تعارضات زناشویی»، طرح پژوهشی استانداری فارس.

۹. سعیدیان، فاطمه(۱۳۸۲)، «بررسی رابطه بین ساختار قدرت در خانواده با تعارضات زناشویی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات دانشگاه تربیت معلم تهران.

۱۰. سلیمانی، الهه، زهرا تنها، علی‌اکبر ملکی‌راد و داوود کردستانی(۱۴۰۰)، «معادلات ساختاری مهارت‌های زندگی و سبک‌های دلبستگی با تعارضات زناشویی: نقش میانجی‌گرانه رضایت جنسی و قصه عشق زوجین»، تحقیقات علوم رفتاری، دوره ۱۹، ش ۱(پیاپی ۶۳)، ص ۱۳۸ ـ ۱۲۸.

۱۱. صلاحیان، افشین، مسعود صادقی، فاطمه بهرامی و مریم شریفی(۱۳۸۹)، «بررسی رابطه بین هوش هیجانی و بخشودگی با تعارضات زناشویی»، مطالعات روان‌شناختی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهرا(س)، دوره ۶، ش ۲، ص ۱۴۰ ـ ۱۱۵.

۱۲. فرامرزی، زینب، غلامرضا جعفری‌نیا و حبیب پاسالارزاده(۱۳۹۸)، «بررسی تعارضات زناشویی و عوامل مؤثر بر آن در میان زنان ساکن در بوشهر»، فصلنامه علمی ـ پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، دوره ۱۳، ش ۳ (پیاپی ۴۶)، س ۵۴ ـ ۴۱.

۱۳. لهسایی‌زاده، عبدالعلی، مرضیه مردانی و بهزاد حکیمی‌نیا(۱۳۹۲)، «بررسی عوامل مرتبط با تعارضات زناشویی در شهر شیراز»، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، دوره ۷، ش ۴ (پیاپی ۲۳)، ص ۱۸ ـ ۱.
۱۴. منصوریان، کریم و سیروس فخرایی(۱۳۸۷)، «تحلیل جامعه‌شناختی تعارضات همسران در خانواده‌های شهر شیراز»، مجله تحقیقات زنان (مجله مطالعات زنان)، دوره ۲، ش ۱، ص ۱۱۳ ـ ۷۵.
۱۵. میرزایی، میترا، اقبال زارعی و مریم صادقی‌فرد(۱۳۹۸)، «نقش تمایزیافتگی خود و عوامل اقتصادی با میانجیگری تعارضات خانوادگی در پیشگیری از آسیب‌های روانی و اجتماعی»، فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ش ۳۷، ص ۱۷۰ ـ ۱۴۳.
۱۶. نوتاش، مریم(۱۳۸۹)، «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی خانواده بر ناسازگاری همسران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام‌نور تهران.
۱۷. هوشمندی، رودابه، خدابخش احمدی و علیرضا کیامنش(۱۳۹۸)، «تحلیلی بر علل تعارضات زناشویی در دو دهه اخیر (یک مرور نظامند)»، مجله علوم روان‌شناختی، دوره ۱۸، ش ۷۹، ص ۷۹۷ ـ ۷۱۹.
۱۸. یوسفی، ناصر و آرمان عزیزی(۱۳۹۷)، «تبیین مدلی برای پیش‌بینی تعارض زناشویی بر اساس تمایزیافتگی و تیپ‌های شخصیتی»، فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ش ۳۵، ص ۷۸ ـ ۵۷.

ب. منابع لاتین

1. Lyngstad, T. H. (2006). Why do couples with highly educated parents have higher divorce rates? *European Sociological Review*, 22(1), 49-60.
2. Sharyati M, Ghamarani A, Solati Dehkordi SK, Abbasi Molid H. (2010). The Study of Relationship between Alexithymia and Sexual Satisfaction among Female Married Students in Tabriz University. *Journal of Family Research*; 6(1); 59-70.